

گزارش

از عواقب قانون حجاب

کنار کشیدن از کار خیر

سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌هایی هستند که با فعالیت‌های داوطلبانه گره خورده‌اند. بسیاری از اعضای این سازمان‌ها در راستای مسئولیت اجتماعی که دارند اقدامات خیرخواهانه انجام می‌دهند. حالا در قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» بندهایی وجود دارد که می‌تواند به‌راحتی مجوز فعالیت این سازمان‌ها را لغو کند، برای همین برخی کارشناسان معتقدند اگر این قانون با همین کیفیت اجرایی شود، سبب‌ساز عدم مشارکت در حوزه اجتماعی خواهد شد. قانون حجاب هنوز ابلاغ نشده سروصدای زیادی بپاکرد، حالا هم که از گوشه و کنار مجلس خبرهایی درباره تأخیر ابلاغ قانون به‌گوش می‌رسد، طوری‌که عضو هیات رئیسه گفته: «دولت ابهاماتی در خصوص اجرای قانون دارد و قرار است لایحه اصلاحی به مجلس بفرستد» از روزی که متن قانون موسوم به حجاب منتشر شد کارشناسان حقوق جدا از کلیات ابراداتی هم به مواد قانون گرفتند، از بند موسوم به مجوز امر به معروف توسط اتباع گرفته تا جریمه‌های میلیونی، اما یکی از بندهایی که توسط کارشناسان امور اجتماعی مورد توجه قرار گرفت مربوط به مجوز فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد بود، سازمان‌هایی که مردم آن راه می‌اندازند و بسیاری از موسسه‌ها هم برای انجام مسئولیت اجتماعی خودشان از آنها حمایت می‌کنند. حالا به‌نظر می‌رسد اگر این قانون با همین کیفیت ابلاغ شود تعداد زیادی از این موسسه‌ها یا لغو مجوز می‌شوند یا امکان دارد خودشان تصمیم بگیرند به فعالیت داوطلبانه‌شان پایان دهند.

ابطال مجوز؟

برخی مواد این قانون مربوط به مجوز سازمان‌های مردم‌نهاد است. در بنده ۷ ماده ۱۴ قانون که جزو تکالیف وزارت کشور است، نوشته شده: «لغو مجوز تشکل‌های اجتماعی مروج یا مبلغ کشف حجاب، بی‌عفتی، برهنگی، بدپوششی، تبصره؛ در صورتی که هر یک از مدیران یا اعضای هیات مدیره تشکل‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد مرتکب یکی از جرائم یا تخلفات موضوع این قانون شود باید ظرف یک‌ماه عزل شود، در غیر این صورت مجوز تشکل اجتماعی یا سازمان مردم‌نهاد لغو می‌گردد.»
آنطور که از این متن مشخص است لغو مجوز سازمان‌های مردم‌نهاد مانند تهدیدی دائمی بالای سرشان خواهد بود.

اعتقاد؛ مشارکت

سیدحسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران درباره این موضوع می‌گوید: سازمان‌های غیردولتی و خیریه، مانند یک سازمان دولتی نیستند و سازوکار خاص خودشان را دارند. خیلی‌های‌شان براساس فعالیت‌های داوطلبانه کار می‌کنند. اگر با سازمان‌های غیردولتی مانند سازمان‌های دولتی برخورد شود همین مشارکت ضعیفی که داریم ضعیف‌تر هم خواهد شد. سخت‌گیری‌هایی که در نهادهای دولتی وجود دارد، اگر مشابه آن در سازمان‌های غیردولتی تسریع پیدا کند عملاً بسیاری از این سازمان‌ها از فعالیت‌های خیرخواهانه خود دست می‌کشند و این یکی از نشانه‌های آیین آمدن سرمایه اجتماعی است. در چنین وضعیتی تشکل‌ها کمتر اعتماد می‌کنند، اگر اعتماد نکنند دیگر مشارکت نمی‌کنند، بنابراین گردانندگان سازمان خود را تعطیل می‌کنند. اما ادامه می‌دهد؛ نباید کاری کنیم که مردم برای مشارکت فرار کنند، تعطیل کردن این سازمان‌ها راحت‌ترین کار است، اما مهم‌ترین راهکار نیست، قدرت مدیریت کشور در این است که به جای تعطیل کردن سازمان‌های مردم‌نهاد در یک فضای سالم و احترام متقابل گفت‌وگوی لازم با این تشکل‌ها داشته باشد. نمونه‌هایی داشتیم که برخی تشکل‌ها با یک‌تا همه تعطیل شدند که این راهکار درستی نیست.

فعالیت بدون مجوز

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی می‌گوید: تشکل‌هایی توانند اقدام خیریه که دارند بدون مجوز هم انجام دهند، شاید نتوانند فعالیت‌های عمومی داشته باشند، اما همچنان می‌توانند اقدامات خودشان را انجام دهند، بنابراین عملاً سعی می‌کنند سراغ مجوز گرفتن نزنند، ترجیح می‌دهند که فعالیت غیررسمی داشته باشند و کسی هم نمی‌تواند جلوی‌شان را بگیرد، چنین وضعیتی که به‌ضرر مسئولین است، چراکه وقتی کسی برای سازمان مردم‌نهاد خود مجوز می‌گیرد بالاخره نظارتی روی آن وجود دارد، نیاز به پروانه نظارتی دارد، باید باید مقاصح حساب بیاورد و خیلی موارد دیگر، با چنین کاری عملاً قدرت نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد از دست می‌رود و انگیزه کسانی که کار می‌کنند راکاهش می‌دهیم. موسوی چلک بیان می‌کند: سازمان‌ها عملاً از زیر نظارت دستگاه‌های دولتی خارج می‌شوند، کسی که همه سرمایه‌ی وقتش را برای یک سازمان مردم‌نهاد گذاشته با فرض وجود این قانون با خودش فکری می‌کند چرا باید هر روز درگیر دادگاه و پاسگاه‌ها شوم یا هر شب باید با استرس بخوابم، بنابراین رهایی‌کننده در صورت علاقه‌مند بودن بدن مجوز اقدامات خیرخواهانه خودش را انجام می‌دهد، هم چیزیه عروس می‌دهد هم امکانات تحصیل دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل را فراهم می‌کند، کسی هم نمی‌تواند بیان کاری داشته باشد. به‌نظر نباید با سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد لجاجتی کنیم.

دوشنبه ۰۹ • ۱۴۰۳ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ / ۱۶ دسامبر ۲۰۲۴

سال هفتم شماره ۱۹۹۷

armanmeli.ir

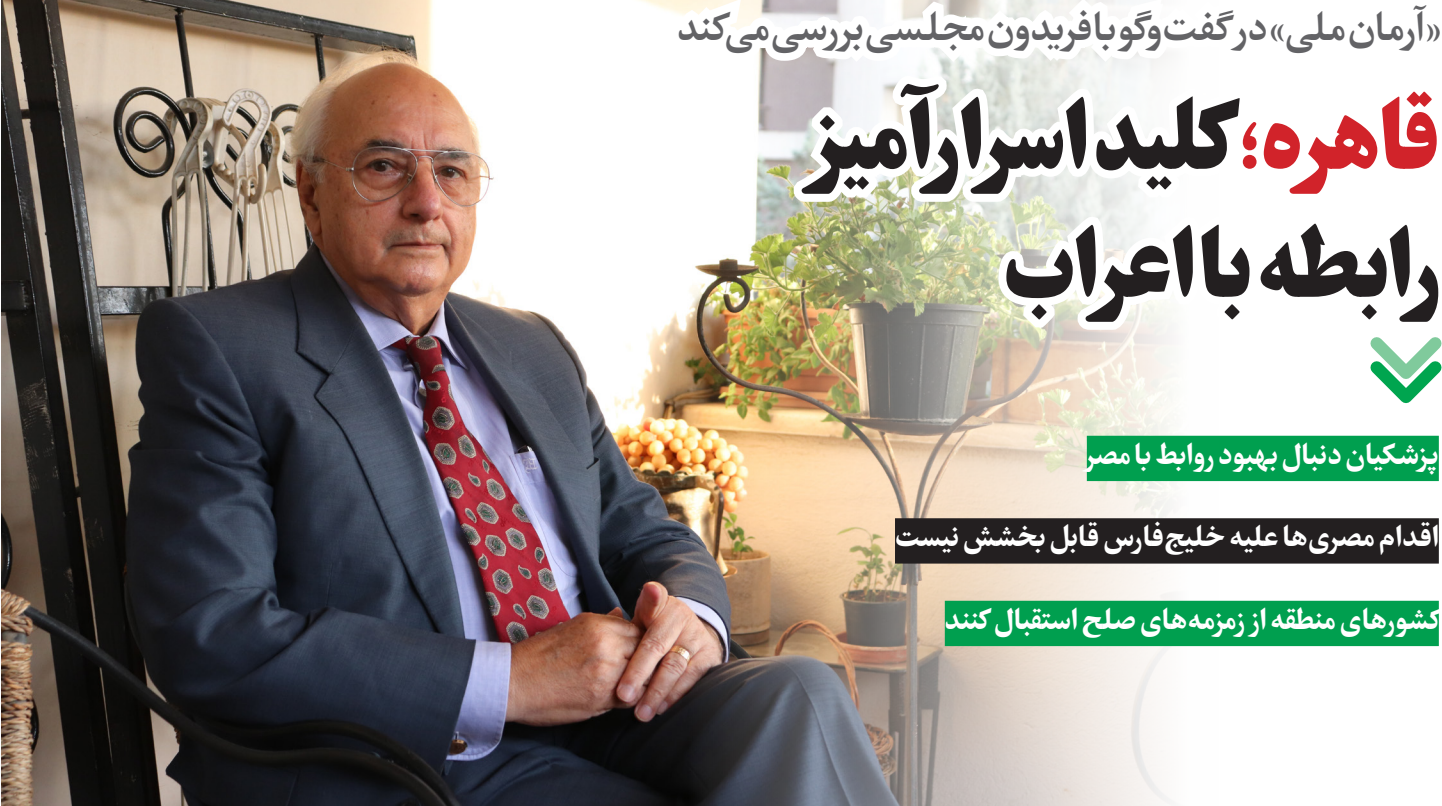
«آرمان ملی» در گفت‌وگو با فریدون مجلسی بررسی می‌کند

قاهره؛ کلید اسرار آمیز رابطه با اعراب

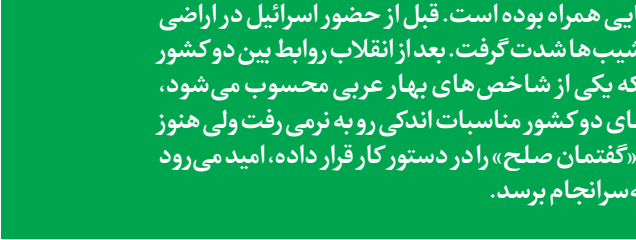
پزشکیان دنبال بهبود روابط با مصر

اقدام مصری‌ها علیه خلیج فارس قابل بخشش نیست

کشورهای منطقه از زمزمه‌های صلح استقبال کنند



آرمان ملی – سیاوش پورعلی: روابط ایران و مصر همواره با پیچیدگی‌هایی همراه بوده است. قبل از حضور اسرائیل در اراضی اشغالی روابط بین دو کشور گرم و نزدیک دنبال می‌شد پس از آن اما فرازونشیب‌ها شدت گرفت. بعد از انقلاب روابط بین دو کشور زیر سایه چالش‌های سیاسی وارد فاز قهری شد. انقلاب در کشور مصر که یکی از شاخص‌های بهار عربی محسوب می‌شود، باعث شد از شدت اختلاف فی مابین کاسته شود و در سفر رئیس جمهوری‌های دو کشور مناسبات اندکی رو به نرمی رفت ولی هنوز به آن نتیجه مدنظر نرسیده‌ایم. حالا با روی کار آمدن دولت چهاردهم که «گفت‌مان صلح» را در دستور کار قرار داده، امید می‌رود که روابط با قاهره که برخی آن را کلید اسرارآمیز روابط با اعراب می‌دانند، به‌سرانجام برسد.



چگونه این کشورهایی که از آنها نام بردید با اختلافات موجود می‌توانند دور یک میز جمع شوند؟ در واقع با تکیه به چه هدفی این صلح شکل خواهد گرفت؟

با واقعیت‌های موجود روی نقشه‌های سیاسی و تاکید بر منافع ملی. هر کدام باید حوزه فعالیت و نفوذ خود را بدانند. کشورهایی منطقه همانند اروپایی‌ها باید قوانین بین‌المللی را بپذیرند و به مرزهای رسمی احترام بگذارند و در ادامه با یکدیگر رابطه نتیجه‌داری داشته باشند. در غیر این صورت هیچ راه دیگری وجود ندارد. هر دولتی موظف است تا مناسبات داخلی کشور خود را برای شهروندانش ایده‌آل کند و این یک اصلی است که در ادامه آنچه منافع ملی نام دارد، شکل می‌گیرد. روابط فی مابین باید براساس این اصل شکل بگیرد تا همه بدانند از توافق چه می‌خواهند و چه نمی‌خواهند. واقعیت این است که توسعه منطقه‌ای زیر سایه صلح و امنیت معنا پیدا می‌کند نه در میدان جنگ.

آیا آیین پتانسیل را در کشورمان دیده می‌شود؟ به‌نظرم جمهوری اسلامی با توجه به شعارهای انتخاباتی مسعود پزشکیان تصمیم خود را گرفته است که در ارتباط با مصر و سایر کشورها چه مقاصدی را دنبال کند. رئیس جمهوری با این شعارها توانست آرای شهروندان را کسب کند و حالا با توجه به همان وعده‌ها باید در انتظار رخ دادن اتفاقات جدید باشیم. اگر دنبال بازگویی برای توسعه باشند تنها راه این است که گفت‌مان صلح را در دستور کار قرار دهیم. اگر در شرایط عادی و متعارف با فراموش یا کم‌رنگ کردن مسائل آرمان خواهی‌هایی که همواره چالش برانگیز بوده است، طرف‌ها باید حساسیت‌های یکدیگر را درک کنند، همینطور مناسبات و توافق‌نامه‌ها. مصری‌ها بعد از کاستن از تنش‌هایی که با همسایه‌های خود داشتند می‌توانند درباره توسعه سیاسی و اقتصادی تصمیم بگیرند. با وجود تنش و کشمکش بین کشورها توسعه دور از دست خواهد بود.

به اسرائیل اشاره کردید و اینکه این موضوع دلیل کاهش سطح روابط دو کشور بوده، چه قبل از انقلاب چه بعد از آن. ایران و مصر چه چالش‌های دیگری با هم دارند؟
مصر اولین کشوری بود که با ایران به دلیل ارتباط با اسرائیل قطع رابطه کرد. مسئولان قاهره در آن روزها می‌گفتند محمدرضا شاه به اسرائیل نفت می‌فروشد و با این کار موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته است. به همین دلیل در دوره پهلوی راه خصومت با ایران را انتخاب کردند.

در ادامه اما مصر یک تجاوز فرهنگی بزرگی در حق ایران انجام داد که ملت ایران هرگز این خیانت را فراموش نخواهد کرد و آن هم اینکه برای خلیج فارس یک نام جعلی انتخاب کردند که یادگاری سیاه در روابط دو ملت است. مگر اینکه مصر کنونی به نوعی بخواهند آن رفتارشان را جبران کنند. اگر این رفتار اصلاح نشود قابل بخشش نیست. همان مصری که روابط با ایران را تیره‌وتر کرد در در زمان انور سادات دچار افزایش تنش سیاسی و اجتماعی شد که سرانجام به ترور او ختم شد. سادات در نشست کمپ دبوید که در مورد فلسطین برگزار شد ایده دو کشوری را قبول کرده بود. مصر به موارد قطعه‌نامه ۲۴۲ شورای امنیت وفادار است. ملک‌عبد... پادشاه فقید عربستان هم آن را تایید کرد و روابط اعراب با اسرائیل بر روی همان بنا شد. این موضوعات می‌تواند برخی از چالش‌های موجود بین تهران و قاهره باشد ولی همان طوری که در طول مصاحبه اشاره کردم ارزش ارتباط ایران با اعراب و برعکس آنقدر زیاد است که هر اختلافی را می‌توان کنترل و مسیر جدیدی را باز کرد. در وضعیت کنونی منطقه که هر روز شاهد چالش جدیدی هستیم همه کشورها از شاخ آفریقا گرفته تا انتهای آسیای غربی باید از هر زمزمه صلحی استقبال کنند.

ثروت و صنعت، قدرت دفاعی را بالا می‌برد. کشوری که صنعت و ثروت نداشته باشد در ادامه نمی‌تواند از قدرت دفاعی بالایی بهره‌مند شود چون توانایی تغذیه و پشتیبانی نیروهای نظامی را ندارد

همان‌طور که در ادامه این گزارش اشاره خواهیم کرد ملت‌های ایران و مصر همواره تحت تأثیر یکدیگر بودند. ایران در دوره قاجار اولین کشوری بود که بعد از استقلال مصر از بریتانیا ی کبیر آنها را به رسمیت شناخت. در دوران پهلوی اما روابط همراه با فراز و نشیب بود. آخرین پادشاه ایران با فوزیه، دختر پادشاه مصر «فواد یکم» ازدواج ناموقی داشت و در ادامه آنچه رسمیت دادن شاه به اسرائیل نامیده می‌شد، باعث شد که مصر روابطش با ایران را قطع کند.

بعد از انقلاب اما دیدگاه‌ها بین دو کشور غیارالود شد و به جایی کشید که حتی روابط دیپلماتیک هم وجود نداشت حالا اما دو کشور می‌توانند با کمی نرمش اختلافات را کم‌رنگ کنند. بعد از انقلاب در مصر روی کار آمدن حکومت جدید، «محمد مرسی»، رئیس جمهور وقت برای اجلاس غیرمتمعه‌ها به تهران آمد و ایران را کشور دوست و برادر خواند. او در حاشیه نشست در دیدار با «محمود احمدی‌نژاد» گفت: «احساس دوستی و برادری میان مردم ایران و مصر احساسی متقابل بوده و ما همواره از مواضع و حرکت رو به جلو و سازنده ملت ایران در رشد و توسعه و پیشرفت تجلیل می‌کنیم.» وی در پاسخ سخنان احمدی‌نژاد که مصر را شریک راهبردی ایران خوانده بود گفت: «مصر نیز ایران را شریک راهبردی خود می‌داند.»

با توجه به بخشی از فرازونشیب‌های بین دو ملت حالا در آستانه سفر رئیس جمهور ایران به مصر هستیم. پزشکیان به‌منظور شرکت در نشست گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه DA در هفته جاری به مصر سفر می‌کند. در کنار چالش‌های منطقه‌ای از جمله موضوعات مربوط به سوریه، فلسطین، لبنان و... که می‌تواند در این نشست بررسی شود حضور رئیس جمهور ایران در قاهره هم می‌تواند جزاانیت‌های دیگری داشته باشد. در این مورد که روابط بین ایران و مصر چه ابعادی می‌تواند داشته باشد با یک دیپلمات پیشین گفت‌وگویی انجام داده‌ایم. مجلسی در این مصاحبه می‌گوید که روابط خوب و با کیفیت بین تهران و قاهره در صلح، توسعه یافتگی کشورهای منطقه و کوتاه شدن دست فرامنطقه‌ای‌ها، گام مهمی محسوب می‌شود. در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

این عرصه منافع و واقعیت‌ها چه کمکی به دو کشور خواهد کرد؟ یا حتی رشد منطقه؟

این عرصه ایجاب می‌کند که بین ایران و مصر که به‌عنوان دو کشور مهم و سازنده منطقه محسوب می‌شوند روابط قوی شکل بگیرد. اگر بخواهیم کشورهای منطقه را از نظر توان ملی و صنعتی بررسی کنیم اول ترکیه است بعد ایران و بعد عربستان و مصر. این چهار کشور می‌توانند به‌عنوان چهار قطب با یکدیگر همکاری کنند. اگر ایران با هر کدام از این کشورها بتواند در این چارچوب قرار بگیرد و دور یک میز بنشینند خواهند توانست سرعت توسعه یافتگی خود را افزایش دهند. با تکمیل شدن این پازل قدرت منطقه هم رشد می‌کند. قدرت هنگامی رشد می‌کند که صنعت و ثروت توسعه پیدا کنند. توجه داشته باشید که ثروت و صنعت، قدرت دفاعی را بالا می‌برد. کشوری که صنعت و ثروت نداشته باشد در ادامه نمی‌تواند از قدرت دفاعی بالایی بهره‌مند شود چون توانایی تغذیه و پشتیبانی نیروهای نظامی را ندارد. توجه داشته باشید که اگر این دو فاکتور نباشند بزرگ‌ترین ارتش‌های نظامی هم فلج خواهند شد. ثروت زیاد می‌تواند قدرت دفاعی را افزایش دهد ولی هنگامی که پای فقر در میان باشد حتی بزرگ‌ترین ارتش‌ها هم توان دفاع از خود را نخواهند داشت.

باتوجه به پیشینه تاریخی تهران و قاهره بفرمایید که بهبود روابط این ۲ کشور چه فوایدی برای دیپلماسی منطقه دارد؟

اگر بخواهیم همه مسائل را به‌صورت متعارف جلو ببریم و نخواهیم سلیقه‌های خودمان را به دیگران تحمیل کنیم، یکی از مفیدترین گام‌هایی که ایران در وضعیت کنونی می‌تواند برای توسعه دیپلماسی خود بردارد، سروسامان دادن به روابطش با کشورهای عربی است. درست است که اکنون از هر لحاظ مهم‌ترین کشور جهان عرب، عربستان سعودی محسوب می‌شود ولی فراموش نکنیم که جمعیت این کشور حاشیه «خلیج فارس» تنها یک سوم کشوری مانند مصر است. همچنان زمینه‌های فرهنگی مصر بالاتر و ارتقا یافته‌تر است. البته فراموش نکنیم که به‌طور سنتی یک نوع احساس عاطفی بین مردم ایران و مصر از قدیم تا به امروز ادامه دارد. می‌توانیم بگوییم که این اشتراکات فرهنگی در روابط دیپلماسی تاثیرگذار خواهد بود و در ادامه آورده‌های مهمی برای منطقه داشته باشد.

به نمونه‌هایی از این اشتراکات اشاره می‌کنید؟

این روابط ریشه عمیقی دارند و می‌توانیم از زمان‌های گذشته که فاطمیان (خلافت فاطمی سلسله‌ای بود که از سال ۹۰۹ میلادی تا سال ۱۱۷۱ میلادی بر بخش بزرگی از شمال آفریقا و جنوب غربی آسیا حکومت کرد) در مصر حکومت می‌کردند و ارتباط نزدیکی با حسن صباح در ایران داشتند شروع کنیم تا به زمانی که یک وصلیتی هم بین خانواده‌های شاهنشاهی ایران و مصر یعنی فواد و پهلوی به وجود آمد، برسیم. همچنین می‌توانیم به

آرمان ملی

سیاست

ذره‌بین

فرستاده آمریکا در خاورمیانه

واشنگتن و سوریه پس‌اسد

در حالی که رهبران جدید سوریه وظیفه اداره کشور را بر عهده گرفته‌اند، قدرت‌های جهانی نمایندگانی را به منطقه اعزام کردند تا تلاش برای شکل دادن به آینده سوریه و روابط خود با شورشیانی که به قدرت بشار اسد پایان دادند را آغاز کنند. به ادعای نیویورک تایمز، در همین راستا آنتونی جی. بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده، قبل از پرواز به ترکیه برای دیدار با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور، در اردن با ملک عبدا... دوم دیدار کرد و از شرایط حاکم بر سوریه به‌عنوان فرصت و در عین حال تهدیدی بالقوه برای همسایگانش یاد کرد. او سپس در سفری غیرمنتظره وارد عراق شد و با محمد شیاع السودانی رایزنی داشت.

نقشه‌راه واشنگتن

بلینکن مدعی شد که دولت جدید سوریه که رهبری اش بر عهده چهره‌ای رادیکال است که در لیست سیاه آمریکا قرار دارد، توسل به اصول اولیه حقوق بشر، از جمله حمایت از اقلیت‌ها و جلوگیری از تبدیل شدن این کشور به میدانی برای ظهور گروه تروریستی داعش ضروری است. بلینکن و جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا هم‌زمان روز پنجشنبه پیامی به اسرائیل دادند و مدعی شدند که حضور نظامی این رژیم در سوریه، کنترل منطقه حائل در امتداد مرز سوریه و اسرائیل باید موقتی باشد. پس از سقوط دولت اسد اسرائیل نیروهای خود را به منطقه منتقل و علیه دارایی‌های نظامی و سوریه صدها حمله نظامی انجام داد و مدعی شد که نگران است که افراط‌گرایان از خلأ قدرت سوءاستفاده کرده و از سلاح‌های رها شده برای حمله به خاک اسرائیل استفاده کنند. در همین راستا بلینکن در گفت‌وگو با خبرنگاران در اردن مدعی شد: «اسرائیل نگران است که خلأ حاکم توسط تروریست‌ها و افراط‌گرایان پر شود. از همین رو تل آویو نیروهایش را به منطقه حائل منتقل کرد.» مقام‌های آمریکایی مدعی‌اند که فعل و انفعال‌های تل آویو در سوریه موقتی است. نیویورک تایمز مدعی شد، هم‌زمان سالیوان پس از دیدار با بنیامین نتانیاهو، مدعی شد که تصمیم اسرائیل برای اعزام نیرو به منطقه حائل منطقی و سازگار با حق دفاع از این بازیگر است. اما او ادعا کرد که ایالات متحده انتظار دارد که حضور نظامی اسرائیل در شام دائمی نباشد. مخالفان که توسط هیات تحریرالشم رهبری می‌شوند، گروهی که زمانی وابسته به القاعده بودند، مدعی‌اند که از مدت‌ها پیش اهداف افراطی‌شان را کنار گذاشته‌اند و با همه فرقه‌ها در سوریه همکاری خواهند کرد. اما دستور کار آنها هنوز مشخص نیست. برخی از تحلیلگران مدعی‌اند جامعه بین‌المللی باید برچسب تروریستی را از حیات تحریرالشم حذف کند تا کشورها بتوانند به سوریه کمک ارسال کنند و بر این گروه اعمال فشار داشته باشند. در چنین شرایطی ابراهیم کالین، رئیس سازمان اطلاعات ملی ترکیه که با نام اختصاری MIT شناخته می‌شود، در تصاویری که از تلویزیون ترکیه پخش شد، در دمشق پایتخت سوریه دیده شد. براساس این تصاویر کالین با پرسنل مسلح در اطرافش از مسجد اموی خارج می‌شود. این مهمان مسجدی بود که محمد الجولانی، رهبر تحریر الشام روز یکشنبه از آن بازدید کرد.

اطلاعات ترکیه در شام

به ادعای نیویورک تایمز سازمان اطلاعات ترکیه در مورد سفر کالین به دمشق اظهار نظری نکرد. اما این سفر در حالی انجام شد که بلینکن نظامی‌های خود را درباره حملات جدید نیروهای ترکیه و شبه‌نظامیان تحت حمایت این کشور علیه نیروهای کرد مورد حمایت ایالات متحده در شمال شرق سوریه ابراز کرد و گفت: «در حال حاضر مهم است که زمینه ساز دور تازه رویارویی‌ها نشویم» ترکیه نیروهای کرد را یک گروه تروریستی می‌داند که با کرد‌های شورشی در ترکیه مرتبط است. سازمان اداره مدنی به رهبری کردها در شمال شرق سوریه روز پنجشنبه اعلام کرد که برچم استقلال سوریه را بر فراز تمام ساختمان‌های دولتی به اهتزاز درآورده است. اقدامی عمدتاً نمادین که به گفته آنها وحدت و هویت ملی سوریه را تأیید می‌کند. این رویکرد ظاهراً سیگالی برای رهبران جدید در دمشق است. رهبرانی که با ترکیه نیز ارتباط دارند. در طول سال‌ها، منطقه خود مختار بالفعل و شاخه‌نظامی آن، نیروهای دموکراتیک سوریه به رهبری کردها، خود را به عنوان یک حزب مستقل در جنگ داخلی سوریه قلمداد می‌کردند. اما در روزهای اخیر آنها از آمادگی‌شان برای ارتباط با دولت جدید دمشق می‌گویند. در چنین شرایطی هرج و مرج در سوریه به اسرائیل فرصت داد تا نیروهای نظامی کشوری را که مدت‌ها دشمن سرسختش بوده را هدف قرار دهد، بدون اینکه منتظر بماند که آیا این کشور همچنان یک دشمن خواهد بود یا خیر. به ادعای ارتش اسرائیل، هوایماهای جنگی اسرائیل در روزهای اخیر بیش از ۲۵۰ حمله در سراسر سوریه انجام داده‌اند و بقایای نیروی دریایی دولت سابق و همچنین سلاح‌های شیمیایی، هوایما‌های جنگی و انبارهای موشک‌های دوربرد را هدف قرار داده‌اند. ارتش اسرائیل همچنین وارد منطقه‌ای به مساحت ۱۵۵ مایل مربع در مرز سوریه و اسرائیل شده که قرار بود منطقه‌ای غیرنظامی تحت نظارت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل باشد. پس از آن، نیروهای اسرائیلی برای اولین بار پس از جنگ ۱۹۷۳ مواضع خود را در عمق خاک سوریه گسترش دادند. چهارشنبه گذشته، ارتش اسرائیل خبرنگاران اسرائیلی را به منطقه کودانا، روستایی در سوریه در منطقه حائل، برد، ویدئویی از این سفر – از جمله آنچه تصاویری ادعایی از دستکامات متروک نظامی سوریه نامیده می‌شود – در شبکه‌های اسرائیلی پخش شد. بنی‌کانا، یکی از فرماندهان نظامی محلی، در مصاحبه با رادیو تلویزیون عمومی اسرائیل مدعی شد: «معلوم است که ما برای مدتی در اینجا خواهیم ماند. ما برای این آماده‌ایم. با توجه به آشوب در سوریه و نگرانی اسرائیلی‌ها در مورد شورشیان که اکنون محقق رهبری می‌کنند، هرگونه معامله برای بازگرداندن منطقه حقلر خود نخواهد تشد». دفتر نتانیاهو ادعا کرد که سربازان اسرائیلی «تا زمانی که نیروی مؤثری وجود داشته باشد که آتش بس سال ۱۹۷۴ را در منطقه حائل اجرا کند» در خاک سوریه باقی خواهند ماند. متحدان اسرائیل عمدتاً تا در مورد تصرف قلمرو در منطقه حائل و فرات‌از آن سکوت اختیار کرده‌اند، اگرچه فرانسه از اسرائیل خواست تا عقب‌نشینی کرده و به حاکمیت سوریه احترام بگذارد.